



Fiqhi Basis for Compensation Mechanisms in Cases of Negative Inflation

Mohammad Rohani Moghaddam *

Received: 2023, Nov 6 | Received in revised form: 2024, Jan 9 | Accepted: 2024, Feb 14 | Published: 2024, Jul 15

Abstract

A critical challenge of the modern economy is negative inflation, which, according to some economists, can sometimes be more detrimental than positive inflation, as it can lead to economic recession. In negative inflation, the value of money increases, while the value of goods decreases for reasons such as increased production and lack of proper supervision. This paper, recruiting a descriptive-analytical method and by examining the views of contemporary jurists, presents solutions to compensate for the damages caused by negative inflation, including the government's responsibility to compensate for damages and the insurance of production and product damages, and examines the fiqhi foundations related to these solutions. Findings suggest that, given the various causes that can be attributed to negative inflation, the civil liability of the government is only provable in cases where it has, through positive or negative causation, created the conditions for negative inflation, or where this issue is due to the government's negligence, by referring to the principles of "destruction" (itlāf), "causation" (taṣbīb), and "the return policy" (al-kharaj bi al-daman). Furthermore, the legitimacy of insuring against the damages caused by negative inflation is also proven by the generality of the principles of fulfilling promises and trading by mutual consent, as well as the basis of reason and the absence of a legislative prohibition in this regard.



Keywords: Civil Liability, Transaction, Negative inflation, Compensation, Damage.

* Associate Professor of Fiqh and Fundamentals of Islamic Law, Semnan Branch, Islamic Azad University, Semnan, Iran; Email: m.rohani@semnaniau.ac.ir.

▣ Rohani Moghaddam, M. (2023) Fiqhi Basis for Compensation Mechanisms in Cases of Negative Inflation. *Journal of New Perspectives in Islamic Jurisprudence*, 1 (2) 28-47. Doi: <https://doi.org/10.22091/rcjl.2024.10675.1049>.



مبنا یابی فقهی راهکارهای جبران خسارت ناشی از تورم منفی

محمد روحانی مقدم*

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۸/۱۵ | تاریخ اصلاح: ۱۴۰۲/۱۰/۱۹ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۲۵ | تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۴/۲۵

چکیده

یکی از معضلات اقتصاد مدرن تورم منفی است که به اذعان اقتصاددانان با توجه به اینکه می‌تواند منجر به رکود اقتصادی جامعه شود گاه از تورم مثبت خطرناک‌تر است. در تورم منفی ارزش پول افزایش داشته و درعین حال ارزش کالاها به دلایلی چون افزایش تولیدات و عدم نظارت دقیق بر این موضوع کاهش می‌یابد. این نوشتار با روش توصیفی تحلیلی و با بررسی آرای فقیهان معاصر ضمن ارائه راهکارهایی جهت جبران خسارت ناشی از تورم منفی از جمله مسئولیت دولت در جبران خسارات و نیز بیمه خسارات تولیدات و محصولات، به بررسی مبانی فقهی مرتبط با این راهکارها پرداخته است. برایند بررسی آرای فقها در این خصوص آن است که با توجه به علل مختلفی که در خصوص تورم منفی قابل احصا هست مسئولیت مدنی دولت صرفاً در مواردی که به واسطه تسبیب ایجابی یا سلبی زمینه تورم منفی را فراهم آورده و یا این مسئله ناشی از تقصیر دولت باشد با استناد به قاعده «اتلاف»، «تسبیب» و «الخارج بالضمنان»، قابل اثبات است، همچنین مشروعیت بیمه خسارت ناشی از تورم منفی نیز مستند به اطلاقات و عموماً وفای به عهد و تجارت عن تراض و نیز بنای عقلا و عدم ردع شارع در این خصوص به اثبات رسیده است.



واژگان کلیدی: مسئولیت مدنی، معاملات، تورم منفی، جبران خسارت، ضرر.

* دانشیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران: m.rohani@semnaniau.ac.ir

□ روحانی مقدم، محمد. (۱۴۰۲). مبنا یابی فقهی راهکارهای جبران خسارت ناشی از تورم منفی، پژوهش‌های فقهی

مسائل مستحدثه. ۱ (۲)، ۴۷-۲۸. Doi: <https://doi.org/10.22091/rcjl.2024.10675.1049>

مقدمه

تورم منفی یکی از اقسام تورم است که با کاهش ارزش کالا همراه است؛ یعنی یک نفر می‌تواند در طول زمان با مقدار ثابتی پول کالای بیشتری خریداری کند و از این رهگذر تاجری که قبل از تورم منفی با قیمتی بیشتری کالا تهیه کرده بابت کاهش قیمت کالا در بازار زیان خواهد دید؛ لذا تورم منفی سبب تضرر شخص خواهد بود از آنجا که عوامل مختلفی در تحقق تورم منفی دخیل است و پدیده فوق در صورت تداوم و تکرار رکود اقتصادی را به دنبال خواهد داشت. ارائه راهکارهای جهت جبران خسارات ناشی از آن ضروری به نظر می‌رسد و با توجه به اینکه این مسئله یکی از مستحدثات فقهی است تطبیق مسئله با مبانی فقهی و بررسی آرای فقهای معاصر جهت به رسمیت شناختن راهکارها ضرورت دارد. اطلاق ادله لزوم وفای به عقود بنای عقلا و قواعد مهمی چون قاعده اتلاف و تصویب از اهم مبانی فقهی مؤثر در لزوم جبران خسارات ناشی از تورم منفی است. این نوشتار در صدد پاسخ بدین سؤال است که کدام مبانی فقهی مشروعیت مسئولیت مدنی دولت در قبال خسارات ناشی از تورم منفی یمه جبران خسارت در این خصوص را اثبات می‌کند؟

۱- معنانشناسی تورم منفی

تورم در لغت به معنی ورم کردن، انتشار بی رویه اسکناس بدون تناسب با پشتوانه به کاررفته است (معین، ۱۳۷۱) و از Inflation نخستین بار در قرن نوزدهم در کشورهای اروپایی به مفهوم انتشار بیش از حد اسکناس، برای تامین هزینه جنگی مصطلح گردید. در دوره بعد از جنگ جهانی اول، اصطلاح تورم به مفهوم افزایش بیش از حد وسایل پرداخت، اعم از پول مسکوک، اسکناس و پول اعتباری، به کار برده می‌شد. امروزه اکثر علمای اقتصاد، صرف افزایش حجم پول را تورم تلقی نمی‌کنند؛ بلکه این افزایش را فقط به عنوان یکی از علل تورم محسوب می‌کنند. (کتابی، ۱۳۷۱، ص ۲۱). تورم از دید اقتصادی، اشاره به رشد سطح عمومی تولید پول، درآمدهای پولی یا قیمت است. تورم عموماً به معنای افزایش غیرمتناسب سطح قیمت‌ها در نظر گرفته می‌شود. تورم، روند فزاینده و نامنظم رشد قیمت‌ها در اقتصاد است. هر چند بر پایه نظریه‌های متفاوت، تعاریف زیادی از تورم ارائه می‌گردد، ولی تمامی

آن‌ها به روند فزاینده و نامنظم افزایش در قیمت‌ها اشاره دارند. مفهوم کنونی تورم، در قرن نوزدهم میلادی رواج پیدا کرد.

میزان تورم برابر است با تغییر در یک شاخص قیمت که عموماً شاخص قیمت مصرف‌کننده است. کاهش درصد پشتوانه دار از پول ملی نسبت به درصد پول خلق‌شده را نیز تورم گویند (بهادرانی، ۱۳۹۰، ص ۱). در صورتی که نسبت جنس به بازار با پول چاپ شده به صورتی تغییر نماید که سطح عمومی قیمت‌ها کاهش یابد، تورم منفی در جامعه به وجود خواهد آمد. این مورد با کاهش تورم متفاوت است. در تورم منفی، ارزش پول افزایش داشته و درعین حال ارزش کالاها کاهش می‌یابد. یعنی یک نفر می‌تواند در طول زمان با مقدار ثابتی پول کالای بیشتری خریداری کند. معمولاً به علتی از جمله افزایش تولیدات و عدم نظارت دقیق بر این موضوع، تورم منفی شکل می‌گیرد (بهادرانی، ۱۳۹۰، ص ۱۰۰).

عموماً از دیدگاه اقتصادی تورم منفی به صورت یک مشکل در اقتصاد مدرن محسوب می‌شود. چرا که ماحصل آن می‌تواند به رکود ختم شده که از آثار تورم مثبت خطرناک‌تر است.

۲- جبران خسارت ناشی با تورم منفی به واسطه عقد بیمه

در شرایط تورم منفی اشخاص حقیقی یا حقوقی که اقدام به تجارت کرده‌اند در پی اقدام به معامله و حصول شرایط تورمی منفی و افت قیمت کالا دچار خسارت و زیان خواهند شد چنین تاجر یا شخصیت حقوقی اگر در چنین شرایط تورمی مالش از دست برود، زیان‌دیده محسوب می‌شود. این فرایند با توجه به دیدگاه بزرگانی چون میرزای بجنوردی مصداق ضرر بوده و یکی از اصول بنیادین بیمه‌های خسارت نیز حاکمیت اصل جبران خسارت بر این بیمه‌ها است. اصل یادشده دارای دو اثر مهم است: نخست اینکه همانند مسئولیت مدنی در اینجا نیز اصل لزوم جبران کامل خسارت حاکم است. این اصل اقتضا می‌کند که بیمه‌گر به طور کامل خسارت زیان‌دیده را جبران کند و او را تا حد امکان در موقعیت قبل از روی‌دادن حادثه زیان‌بار قرار دهد، اما از طرف دیگر پوشش چنین بیمه‌ای نباید منجر به افزایش دارایی زیان‌دیده شود و نسبت به قبل از روی‌دادن حادثه و خسارت او را در موقعیت بهتری قرار دهد (کریمی، ۱۳۷۷، ص ۶۳)

بیمه خسارت نیز قراردادی است که در راستای تحقق هدف مسئولیت مدنی منعقد می‌شود؛ زیرا هدف آن جبران خسارت وارده به اموال و دارایی بیمه‌گذار یا کسی است که او طبق قواعد مسئولیت مدنی در قبال او مسئول است؛ لذا اصل جبران خسارت که برخی آن را «اصل غرامت» نیز نام نهاده‌اند، حاکم بر این نوع از قراردادهای بیمه است (صالحی، ۱۳۸۸، ص ۱۳۶).

بنابراین در صورتی که اقتصاد دچار تورم منفی شود و شخصیت حقیقی یا حقوقی در اثر آن متحمل ضرر و خسارت گردد، می‌توان با توجه به اصل جبران خسارت که زیربنای تشکیل شرکت‌های بیمه‌ای و عقد بیمه است، خسارت‌های ناشی از تورم منفی را نیز مشمول عقد بیمه قرار داد؛ زیرا اصل جبران خسارت به نحو عادلانه بیان می‌دارد که دارایی و سرمایه شخص زیان‌دیده می‌بایست به حالت پیش از خسارت و ضرر باز گردد.

نکته مهم آن که بر اساس کدام مبانی فقهی بیمه خسارت تورم منفی مشروعیت می‌یابد؟ از آن جا که موضوع بیمه خسارت ناشی از تورم منفی از موضوعات مستحدثه در فقه و حقوق اسلامی است عموماً ادله و استفتائات فقهای معاصر بررسی خواهد شد در این خصوص نیز خواهیم پرداخت.

۱-۲- مبانی فقهی بیمه خسارات تورم منفی

از آن جا که تورم منفی از مباحث مستحدثه است و در عبارات فقهای متقدم مبتلا به نبوده است مبانی آن بر اساس ادله و قواعد عام فقهی، اطلاق ادله و استفتائات بیان می‌گردد.

الف - عموماً و اطلاقات ادله

یکی از احکام امضایی اسلام احکام مربوط به معاملات است. دین اسلام چهارچوب عرفی معاملات را کاملاً از بین نبرده؛ بلکه شرایطی را جهت تصحیح روال قبل ارائه کرده است. آیه شریفه «یا ایها الذین آمنوا اوفوا بالعقود» (مائده، ۱۵) ای کسانی که ایمان آوردید به عقدهای (عهدها) خود وفا کنید. یکی از مهم‌ترین ادله مشروعیت بیمه خسارت ناشی از تورم منفی است. فقها در تحلیل آیه شریفه معتقدند که عقد در اینجا عبارت است از عهد موثق و مشدد بین دو طرف که بر اساس آن طرفین متعهد و ملتزم‌اند که به آن عمل کنند (فاضل مقداد، ۱۴۲۵ق، ص ۲۲).

در بیان دلالت این آیه اکثر فقهای امامیه بر این باورند که العقود جمع محلی به الف و لام بوده و این الف و لام استغراقی است و افاده عموم می‌کند و فقط شامل عقود منحصراً در دوره پیامبر نیست؛ بلکه شامل تمام عقود در تمام زمان‌ها و مکان‌ها است، مگر عقدهایی که با دلیل خاص خارج شود.

برخی از علما عقیده دارند که برای صحت و مشروعیت تعهدات و عقود مستحدثه، عموم «اوفوا بالعقود» کافی است. همچنین امام خمینی درباره این آیه می‌فرماید: این آیه کلیه قراردادهای مرسوم بین مردم که در عرف عنوان عقد بر آن‌ها اطلاق می‌شود را شامل می‌گردد (خمینی، ۱۳۹۲، ص ۶۰۹).

بنابراین با توجه به آیه «اوفوا بالعقود» بیمه کردن خسارات ناشی از تورم منفی که یک موضوع جدید است، تحت عنوان عقد بیمه قرار می‌گیرد؛ زیرا بیمه کردن خسارات ناشی از تورم منفی را می‌توان به عنوان یک عقد و قرارداد مستحدثه که مخالفی هم با شرع ندارد به حساب آورد؛ زیرا با توجه به آنچه گفته شد این آیه شریفه تمام عقود و تعهدات در تمام زمان‌ها را شامل می‌شود مگر آن عقود که با دلیل خاص خارج شود؛ مانند بیع ربوی که با دلیل خاص خارج شده است؛ بنابراین مقتضای عقد بیمه، جبران خسارت است که این امر در بیمه کردن خسارت ناشی از تورم منفی نیز صادق است.

یکی دیگر از عمومات و اطلاقات معاملات که قابل انطباق بر بیمه خسارات ناشی از تورم منفی نیز است آیه ۲۹ سوره نساء است «لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ» (نساء، ۲۹) این آیه مجوز تملک اموال دیگران از طریق تجارت و توافق و تراضی طرفین قراردادهاست. به عبارت دیگر نهی از تملک از طریق باطل، دلالت بر صحت تملک از طریق تجارت با تراضی دارد (مقدس اردبیلی، ۱۴۰۳، ج ۸، ص ۴۲۷)

با توجه به اینکه بیمه نیز نوعی معامله است و هرگاه موضوع آن بیمه خسارات ناشی از تورم منفی باشد دلیل و نصی برخلاف آن نیست تا از مصادیق اکل مال به باطل باشد، بنابراین بیمه کردن خسارات ناشی از تورم منفی قراردادی است که شرایط عمومی صحت قراردادها را دارد و عمومات و اطلاقات آیه شریفه «تجاره عن تراض» شامل آن نیز می‌گردد.

بنابراین اگرچه در زمان ائمه اطهار (ع) موضوعی به نام بیمه خسارت ناشی از تورم منفی مطرح نبوده؛ اما می‌توان با توجه به عمومات و اطلاقات ادله که از قضایای حقیقیه هستند و منحصر به زمان خاصی نیستند برای مشروعیت این مسائل مستحدثه استفاده کرد (مکارم شیرازی، ۱۴۲۲ق، ص ۲۵۵).

ب- بنای عقلا بر پرداخت حق بیمه و کم کردن ریسک ضرر

بنای عقلا به معنای روش و سلوک عملی خردمندان بر انجام دادن یا ترک کاری بدون دخالت و تأثیر عوامل زمانی، مکانی، نژادی، دینی و گروهی است (مظفر، ۱۴۰۳، ص ۱۵۳). از آنجا که بیمه خسارت ناشی از تورم منفی از مسائل مستحدثه است و عقد بیمه جبران خسارت یکی از عقود رایج در معاملات است و هم چنین پرداخت حق بیمه و کم کردن ریسک ضرر و خسارت امری متداول در سیره عقلاست از سوی دیگر در خصوص این مسئله که یک مسئله نوظهور است و در زمان ائمه (ع) وجود نداشته است، از ائمه ردع و منعی دیده نشده است (اصفهانی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۶) و مشروعیت ضمان جریره را نیز شاید بتوان تاییدی بر این سیره به شمار آورد می‌توان با استناد به سیره عقلا مشروعیت بیمه خسارات ناشی از تورم منفی را اثبات نمود. (رجیو همکاران، ۱۳۹۸، ص ۱۰۹)

بنابراین از آن جهت که از طرف شارع منعی از بیمه خسارت ناشی از تورم منفی صورت نگرفته است برای مشروعیت این نوع عقد بیمه کفایت می‌کند علاوه بر این چون حجیت بنای عقلا را به دلیل عقل ارجاع می‌دهند (آشتیانی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۱۷۱) می‌توان مشروعیت بیمه خسارت ناشی از تورم منفی را ثابت نمود؛ زیرا دلیل عقل بر احتیاط کردن و کم کردن ریسک در معاملات و جبران خسارت در مقابل ما به ازاء که یک کار عقلانی و منطقی است حکم می‌کند.

ج- نظرات فقهای معاصر

استفنا از برخی فقها و مراجع عصر حاضر در رابطه با بیمه خسارت مطالبات معوق بانکی ناشی از تورم منفی و مثبت، نشان می‌دهد که فقها منعی برای این نوع از عقد بیمه نمی‌بینند و در مقام بیان عدم منع دو گروه هستند؛ گروهی مانند آیت‌الله یوسف صانعی (صانعی، ۱۳۹۶،

استفتاء ۱۸۳۶۹۹) و آیت‌الله شبیری زنجانی (شبیری زنجانی، ۱۳۹۶، استفتاء ۴۷۳۸۸) که به‌طور کلی می‌فرماید این نوع عقد بیمه مانعی ندارد. استدلال این دو فقیه بر این مبنا است که این نوع بیمه برخلاف عموماً و اطلاقاتی مانند اوفوا بالعقود نیست؛ اما گروهی دیگر از فقها برای مشروعیت این نوع عقد بیمه قیود و استدلال‌هایی را بیان کرده‌اند که در این رابطه آیت‌الله جوادی آملی می‌فرماید: «عقد بیمه در موضوعات مختلف اگر برخلاف شرع نباشد اشکالی ندارد» (جوادی آملی، ۱۳۹۶)

آیت‌الله علوی گرگانی نیز می‌فرماید: «اگر بیمه در هر موضوعی در قالب عقود شرعی واقع شود و شرایط این عقود بر آن‌ها حاکم باشد جایز خواهد بود» (علوی گرگانی، ۱۳۹۶) هم چنین آیت‌الله نوری همدانی می‌فرماید «موارد عقد بیمه مختلف است، اما اگر بیمه‌کننده متعهد گردد خسارت ناشی از کاهش ارزش سرمایه را در مقابل مبلغ معینی بپردازد مانعی ندارد». (نوری همدانی، ۱۳۹۶)

از عبارات و نظرات این گروه از فقها نیز مشروعیت عقد بیمه خسارت ناشی از تورم منفی به دست می‌آید؛ زیرا با توجه به آنچه در گذشته گفته شد این نوع عقد بیمه نیز تحت شمول اوفوا بالعقود قرار می‌گیرد و برخلاف شرع نمی‌باشد، زیرا این گونه عقد بیمه مخالفی با کتاب و سنت و نیز بنای عقلاً ندارد، پس هم در قالب عقود شرعی است و هم شرایط عقود شرعی بر آن حاکم است.

جبران خسارت تورم منفی توسط دولت

یکی راهکارهای جبران خسارت تورم منفی، مسئولیت مدنی دولت در جبران خساراتی است که از عوامل مختلف از جمله تورم منفی ناشی می‌شود دولت‌ها با توجه تقصیر و قصوری که در انجام وظایفشان در مقابل شهروندان دارند نسبت به جبران خسارات مسئول هستند به این امر اگر چه در متون فقهی به طور خاص پرداخته نشده است؛ ولی قواعد فقهی به طور عام ناظر به این جنبه از مسئولیت هستند که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

۳- جبران خسارت تورم منفی توسط دولت

به‌طور کلی مسئولیت مدنی دولت؛ «الزام دولت است نسبت به شخص زیان‌دیده در پرداخت

غرامت زیان وارده به او که ناشی از عمل غیرقانونی منتسب به دولت یا عمل غیرقانونی دولت بوده و یا تکلیف دولت است به پرداخت غرامت زیان‌دیده که به موجب قانون مقرر گردیده است». (زرگوش، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۴۳) اصل حاکمیت قانون و عدالت اقتضا دارد که زیان‌های ناشی از عمل غیرقانونی دولت یا ترک فعل وی که تکلیف دولت است، جبران گردد به عبارت دیگر هیچ قانون‌شکنی و زیانی، چه مادی و چه معنوی، بدون جبران باقی نماند. (طباطبایی مؤتمنی، ۱۳۸۷، ص ۶۲)

۱-۳- مبانی فقهی جبران خسارت تورم منفی توسط دولت

در عبارات فقها به طور خاص مبانی فقهی جبران خسارت تورم منفی توسط دولت بیان نشده است؛ ولی با استناد به قواعد فقهی، مسئولیت دولت در مقابل خسارات وارده به شهروندان از جمله در خسارات ناشی از تورم منفی قابل اثبات هست.

الف- قاعده «اتلاف»

یکی از قواعدی که جهت اثبات مسئولیت مدنی دولت در برابر خسارات ناشی از تورم منفی می‌توان استناد کرد، قاعده اتلاف است. با بررسی مستندات و قلمرو این قاعده و اذعان قواعد نویسان معلوم می‌شود در صورتی که فرد به واسطه فعلی زیان‌بار باعث تلف شدن عین یا منفعت دیگری شود، ملزم به پرداخت خسارت خواهد بود. (طوسی، ۱۳۸۷، ج ۷، ص ۱۷۰؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۵، ص ۳۸۳؛ مکارم شیرازی، ۱۴۱۱ق، ج ۲، ص ۱۹۴) و این الزام قانونی به پرداخت خسارت، همان مسئولیت مدنی شخص وارد کننده خسارت است.

نکته قابل توجه آن که در تحقق اتلاف، اراده نسبت به اضرار به غیر لازم نیست که قواعد نویسان از آن به عدم دخالت عنصر قصد و عمد در ضمان نام برده‌اند (انصاری، ۱۳۸۲، ص ۱۶۵) ولی باید توجه داشت که فاعلیت و انتساب عمل و ارتباط فاعل با پدیده تلف لازم است (محقق داماد، ۱۴۰۶، ج ۱، ص ۱۱۴) در رابطه با نقش و کاربرد قاعده اتلاف در حوزه مسئولیت مدنی دولت در خسارات وارده ناشی از تورم منفی نکات زیر قابل توجه هست.

اول اینکه شمول قاعده اتلاف علاوه بر اتلاف حقیقی، اتلاف حکمی را هم در بر می‌گیرد (محقق داماد، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۱۱۴) به عبارت دیگر ضمان در اتلاف حکمی نیز

که نفس مال موجود است؛ ولی مالیت آن از بین رفته است نیز از این قاعده جاری می‌شود. اگر چه برخی قواعد نویسان مانند محقق بجنوردی، اتلاف حکمی را مشمول قاعده نمی‌دانند. (بجنوردی، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص ۲۸) در تورم منفی، ارزش پول افزایش می‌یابد و درعین حال ارزش کالاها کاهش می‌یابد؛ یعنی یک نفر می‌تولند در طول زمان با مقدار ثابتی پول، کالای بیشتری خریداری کند. معمولاً به علتی از جمله افزایش تولیدات و فقدان نظارت دقیق بر این موضوع، تورم منفی شکل می‌گیرد (نیکخوا امیری، ۱۳۹۴، ص ۴۵۴)؛ لذا به نوعی اتلاف حکمی اتفاق می‌افتد.

محقق داماد برای اثبات شمول قاعده اتلاف بر اتلاف حکمی به روایت امام باقر (ع) درباره مردی که با حیوانی نزدیکی کرده، استناد نموده که امام در ماجرای فردی که با حیوان دیگری وطی کرده، فرمود باید قیمت آن را بدهد؛ زیرا حیوان را بر ضرر صاحبش فاسد کرده است و در واقع منجر به عدم استفاده از آن شده است. (حر عاملی، ۱۳۰۹، ج ۲۸، ص ۳۵۸) نکته دیگر این که اگرچه در قاعده واژه «مال الغیر» به کار رفته است؛ اما باید گفت که این قاعده صرفاً ناظر به خسارات مالی نیست؛ بلکه ضرورت جبران همه خسارات از جمله خسارات معنوی، حقوق و منافع نیز قابل استنباط است. (بجنوردی، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص ۲۱؛ خوئی، بی تا، ج ۲، ص ۳۱؛ مراغی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۴۳۴) در بحث خسارت وارده از ناحیه تورم منفی نیز می‌توان گفت منافع تجار تفویت شده و لذا دولت با استناد به قاعده اتلاف مسئول جبران خسارات خواهد بود.

ب- قاعده «تسبیب»

یکی دیگر از قواعد فقهی که در ابواب مختلف فقهی و حقوقی دارای آثار و ثمرات فراوانی است قاعده تسبیب هست. مفاد این قاعده آن است که هر کس مال دیگری را تلف نماید، ضامن آن مال است.

فقیهان شیعه ضمن بررسی ادله قاعده تسبیب به روایات مختلفی استناد کرده‌اند که دلالت این اخبار بر ضمانت تلف‌کننده مال دیگری بدون اجازه و رضایت او کاملاً آشکار است. (بجنوردی، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص ۳۳)

فقها اتلاف را به اتلاف مستقیم و غیرمستقیم یا اتلاف بالمباشره و بالتسبیب تقسیم کرده‌اند علامه و محقق در کتب تذکره و شرایع در باب غضب و موجبات ضمان به سه مورد اشاره کرده‌اند که اتلاف مستقیم و غیرمستقیم از آن جمله است (محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۳، ص ۱۸۷؛ علامه حلی، ۱۴۲۰ق، ج ۳، ص ۱۹۲)

اتلاف مستقیم به وسیله خود شخص و بدون واسطه قراردادن فاعل ارادی یا غیرارادی انجام می‌شود. اتلاف غیرمستقیم نیز عبارت است از هر فعل یا عملی که سبب ازین رفتن مال شود؛ ولی علت تامه یا جز اخیر علت تامه نباشد. میرفتاح مراغه‌ای نیز ضمن بیان اقسام اتلاف معتقد است که این تقسیم ریشه در عرف دارد. به عبارت دیگر مستفاد از روایات آن است که بر اساس منشأ ضمان اتلاف هست و دلیلی بر تقسیم به مباشرت و تسبیب و تقدیم یکی بر دیگری وجود ندارد. معیار صدق عرفی است؛ این معیار گاهی بر مباشر و گاهی بر سبب و گاهی بر هر دو منطبق است. (مراغی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۴۳۵) تسبیب به دو صورت تسبیب ایجابی و سلبی قابل پیگیری است در تسبیب ایجابی، در حقیقت مسبب با انجام عملی زمینه اتلاف را فراهم می‌آورد، مثل گذاردن سنگ، ایجاد لغزشگاه و لغزنده کردن معبر. اما در تسبیب سلبی، با ترک عملی که از اتلاف جلوگیری می‌کند زمینه اتلاف را به وجود می‌آورد؛ قاعده کلی در صدق تسبیب سلبی یا تسبیب از طریق ترک فعل آن است که اگر بر اثر قصور فردی در انجام وظایف شرعی و یا تعهدات ناشی از قراردادهای ضرر و زیانی به دیگری برسد، شخصی که قصور منتسب به اوست، ضامن «ما تلف» است؛ لذا در بحث مسئولیت مدنی دولت، هم به جهت وضع قوانینی که در اثر آن تورم منفی به وجود می‌آید مصداق تسبیب ایجابی یا مثبت است، و هم در جهت عدم انجام تمهیدات لازم در ثبات بازار که مصداق تسبیب سلبی یا منفی است، می‌توان دولت را ملزم به جبران خسارت دانست.

یکی دیگر از متفرعات قاعده تسبیب بحث تعدد اسباب است. تنوع آرای فقها در بحث اسباب طولی، باعث عدم دستیابی به یک رأی واحد در این زمینه شده است. مسئولیت سبب اول (محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۴، ص ۲۴۰) یا سبب اخیر (اصفهان‌ی، ۱۴۱۶ق، ج ۱۱، ص

۲۶۳) یا سبب اقوی (عاملی، بی تا، ج ۱۰، ص ۳۱۹) یا اشتراک اسباب (خویی، ۱۴۱۰ق، ص ۱۰۶) هر یک طرفداران خاص خود دارد

مشهور فقها، سبب مقدم در تأثیر را مسئول می‌دانند (علامه حلی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۱۹۷؛ عاملی، بی تا، ج ۱۰، ص ۲۹۶؛ نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۴۳، ص ۹۹) و قانون‌گذار نیز در ماده ۳۶۳ قانون مجازات اسلامی آن را مورد تأیید قرار داده است. منظور از سبب مقدم در تأثیر، سببی است که اولین اثر را در ایجاد حادثه زیان بار دارد. مثلاً در همان مثال معروف، کسی که سنگی را گذاشته و دیگری چاهی را حفر کرده است، مسئولیت متوجه شخصی است که سنگ را گذاشته است. در این نظریه به زمان ایجاد سبب توجه نمی‌شود؛ بلکه سببی که ابتدائاً در حادثه شدن ضرر تأثیر داشته، ضامن شناخته می‌شود.

بنابراین در زمینه مسئولیت مدنی دولت باید گفت اگر دولت منفرداً سبب ایجاد خسارت بر اشخاص گردد؛ در چنین حالتی واضح است که دولت چه سلباً و چه ایجاباً موجب ورود ضرر و زیان بر اشخاص گردیده و ملزم به جبران آن است. مثلاً تدوین و تصویب غیر کارشناسی و برخلاف مصالح عمومی آئین‌نامه‌ها و مقررات دولتی منجر به ورود ضرر به افراد جامعه گردد (ایجابی) یا اینکه دولت در تأمین رفاه و آسایش و امنیت اعم از اقتصادی، اجتماعی و... قصور کرده (سلبی) و سبب ورود خسارت به افراد جامعه شود؛ ولی اگر کارمند و دولت طولاً، سبب ورود خسارت باشند (تعدد اسباب) در این صورت طبق مبنای حضرت امام و اکثر فقها سبب مقدم در تأثیر، ضامن است. (امام خمینی، بی تا، ج ۲، ص ۵۶۹) اما طبق آنچه در قاعده اتلاف بیان شد، چه دولت سبب مقدم در تأثیر باشد چه کارمند، در هر دو حالت دولت ملزم به جبران خسارت است با این توضیح که در حالت اول، دولت حق رجوع ندارد؛ ولی در حالت دوم حق رجوع به کارمند را خواهد داشت. در مانحن فیه نیز باتوجه به انتساب خسارات وارده ناشی از تورم منفی به دولت، اثبات مسئولیت مدنی دولت، محل تأمل است.

تورم منفی گاه به واسطه نبود نظارت بر تولید اتفاق می‌افتد. اما گاهی نتیجه فرهنگ اقتصادی غلط حاکم بر جامعه است که نسبت به خرید محصولات خارجی اقبال بیشتری

دارند. دولت وظیفه فرهنگ‌سازی در جامعه را به عهده دارد. فرهنگ‌سازی اقتصادی دولت از طریق ارائه اطلاعات و آموزش‌های موردنیاز را با استفاده از ابزارهای آموزشی همچون آموزش و پرورش، آموزش عالی و رسانه‌های جمعی مانند صداوسیما، است. کوتاهی دولت در این وظیفه سبب شکل‌گیری فعالیت‌های اقتصادی کاذب و مخرب اقتصادی در جامعه خواهد شد. تقصیر دولت در فرهنگ‌سازی صحیح استفاده از کالای داخلی به موجب قاعده فقهی تسبیب موجب ضمان خواهد بود. (شریعت‌زاده و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۴۵)

یکی دیگر از علل ایجاد تورم منفی، افزایش درآمدهای نفتی و وابستگی دولت بدان است. با وجود سیاست‌های حکومتی که کاهش وابستگی دولت به منابع نفتی را توصیه کرده و همواره مورد توصیه رهبر انقلاب بوده است، دولت در این خصوص اقدام جدی انجام نداده است و وابستگی به درآمدهای نفتی همواره عامل تورم‌های مثبت و منفی بوده است. از دیگر تقصیرهای دولت در بروز تورم منفی، نبود مبارزه قاطع با قاچاق کالا است که همکاری مناسب میان نیروی انتظامی، قوه قضاییه و دولت را می‌طلبد. قاچاق کالا با ورود کالای خارج از مبادی قانونی و بدون پرداخت گمرک، کالای خارجی را با قیمت پایین‌تر از داخل کشور وارد بازار می‌کند و در نتیجه گوی رقابت با تولیدات داخلی را می‌ریاید. این رویه به سبب کاهش قیمت‌ها (تورم منفی) سبب ورشکستگی صنعتگران و تولیدکنندگان داخلی شده است و وابستگی کشور را به تولیدات خارجی افزایش می‌دهد (شریعت‌زاده و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۴۵) می‌توان گفت یکی از وظایف دولت‌ها مبارزه با قاچاق است تا از آثار سوء اقتصادی این پدیده مانند تورم و تغییر ارزش پول جلوگیری کند و در نهایت باعث رسیدن به ثبات اقتصادی و جذب سرمایه‌گذاری در زمینه افزایش تولیدات داخلی گردد؛ اما گاه به دلیل فساد اداری موجود در سیستم گمرک و نیروهای مرزبانی، شاهد رشد این پدیده مخرب هستیم. بنابراین ناتوانی دولت در جلوگیری از قاچاق می‌تواند یکی از اسباب تغییرات ناگهانی ارزش پول ملی محسوب شود که در بروز تورم منفی نقش دارد. با توجه به توضیحات فوق می‌توان تسبیب دولت در جهت تحقق تورم منفی را اثبات کرد و با استناد به قاعده تسبیب قایل به لزوم جبران خسارت از طرف دولت شد.

ج- قاعده «الخراج بالضمنان»

یکی دیگر از قواعد فقهی که می‌توان جهت اثبات مسئولیت مدنی دولت بدان استناد کرد قاعده «الخراج بالضمنان» است. این قاعده در آثار فقهیان جزو اسباب ضمان مطرح نشده است؛ ولی به دلیل رویکرد متفاوتی که امام خمینی به این قاعده داشته‌اند و آن را مبنایی برای مسئولیت مدنی دولت دانسته‌اند، مناسب است که به طور مختصر به آن پردازیم.

متن قاعده، حدیث نبوی است که در کتب حدیثی عامه آمده است در پاره‌ای از روایت‌های نقل شده از اهل سنت، دلیل صدور حدیث بیان شده است و آن اینکه، مردی برده‌ای خرید تا همیشه پیش خودش نگهدارد پس از چندی در او عیبی یافت و نزد پیامبر (ص) به دادخواهی رفت و خواست او را به فروشنده پس دهد. فروشنده گفت: ای پیامبر خدا خریدار از غلام من کار کشیده است. آنگاه پیامبر فرمود: «الخراج بالضمنان». یعنی در برابر ضمان خریدار، سود و بهره‌ای که او، از رهگذر کار و خدمات غلام برده است، از آن خریدار است؛ زیرا همان‌گونه که اگر آن در نزد خریدار نابود می‌شد او مسئول می‌بود، منافعی هم که از آن به دست آمده است به وی تعلق دارد (ابن ماجه، بی تا، ج ۲، ص ۷۵۴؛ نسائی، ۱۴۰۶ق، ج ۷، ص ۲۵۴) ولی این روایت در کتب حدیثی شیعه وارد نشده است فقط در کتاب غوالی اللثالی، ابن ابی جمهور، به صورت مرسله این روایت را نقل کرده است (ابن ابی جمهور، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۵۷) و همچنین در موارد خاص روایاتی هم معنی با متن قاعده وارد شده است. شیخ طوسی در بحث حصول منافع مبیع بعد از قبض به این روایت استناد کرده است (شیخ طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۱۰۷) علاوه بر این محقق اردبیلی در کتاب مجمع الفوائد روایت را معتبر دانسته (اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ج ۸، ص ۵۱۷) و شیخ محمد حسن اصفهانی در حاشیه مکاسب با توجه به استدلال شیخ انصاری به این قاعده، آن را مرسل و معروف بین قدام دانسته و تلویحاً اشاره به انجبار ضعف سند با معروف بودن، داشته است (اصفهانی، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۳۵۰).

اختصار قاعده و معنای لغوی الفاظ آن موجب برداشت‌های متفاوتی در کاربرد قاعده از سوی فقهیان شده است به اعتقاد اکثر فقهیان، گستره قاعده مذکور به منافع مستوفات و عقود صحیحه محدود می‌شود. طبق مبانی ایشان از این قاعده، عدم ضمان خریدار به سبب

استیفای منافع ناشی از عقد صحیح که به تراضی به رد عین انجامیده است استنباط می‌گردد. چرا که این منافع در برابر ضمانی بوده که در صورت تلف عین متوجه خریدار شده است. (ابن زهره، ۱۴۱۷ق، ص ۲۲۳؛ علامه حلی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۰، ص ۱۱۳) طبق این نظریه، قاعده شامل ضمان مقبوض به عقد فاسد و غصب و ضمان قهری نمی‌شود، زیرا منشا ضمان عین و انگیزه او از این معنی، تملک منافع عین است و فقط شامل بیع می‌شود. به جهت اینکه «باء» در «بالضمان» ظهور در سببیت و یا اینکه در مقابله دارد و مقتضای این ظهور، سببیت و مقابله از طرفین است، بدین معنی تملک منافع عین انگیزه ضمان عین است، و ضمان عین سببیت تملک منافع عین است پس مشتری ضامن میباید می‌شود و در مقابل آن مالک منافع است. اما آن چه محل استدلال در مسئولیت دولت می‌باشد نظر امام خمینی در مقابل معنای مشهور می‌باشد ایشان با استناد به واژه «قضی» که در روایت آمده این قاعده را از احکام سلطانیه و حکومتی دانسته است. به تعبیر ایشان «خراج» در این روایت به معنای همان خراج متعارفی است که دولت‌ها از مردم اخذ می‌کنند و در ازای آن دولت تعهداتی متقبل می‌شود.

«أن الخراج الذي يأخذه والي المسلمين، نحو الزكاة والخمس والجزية وغيرها، إنما هو بإزاء الضمانات والتعهدات التي عليه بالنسبة إلى المسلمين؛ من إدارة شؤونهم العامة». (امام خمینی، ۱۴۲۱ق، ج ۴، ص ۶۱۷) به اعتقاد ایشان با توجه به الفاظ به کاررفته در روایت، چنین برداشتی از قاعده اقرب است.

از نگاه حضرت امام این قاعده یک قاعده حکومتی بوده که در بردارنده تعهداتی است که حکومت در قبال اخذ مالیات به صورت‌های مختلف از مردم، ملتزم به آنها می‌شود و حکومت موظف به ایفا تعهدات خود بوده و مردم می‌توانند انجام امورات تعهد شده از طرف حکومت را، از حاکمیت مطالبه کنند: «وأن الوالی مؤظف بذلك والشعب مطالبون منه».

بنابراین، قاعده «الخراج بالضمان» از طرفی حکومت را ملزم به انجام تعهداتش می‌کند (وأن الوالی مؤظف بذلك) و از طرف دیگر مردم را مستحق الزام حاکمیت به انجام تعهدات و مطالبه حقوق خود می‌داند.؛ و الشعب مطالبون منه (خمینی، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۶۱۷) که این همان ثمره مسئولیت مدنی است. پس، طبق مبنای حضرت امام خمینی قاعده «الخراج

بالضمان» می‌تواند جزو مبانی اختصاصی مسئولیت مدنی دولت اسلامی هست. با عنایت به این معنا می‌توان مسئولیت مدنی دولت را در قبال خسارات ناشی از تورم منفی ثابت کرد. به عبارت دیگر با توجه به عوارض و مالیات‌های اخذ شده از تجار در شرایط خاص تورم منفی نیز که عادتاً سیاست‌های اقتصادی دولت عامل چنین اتفاقاتی بوده است، دولت موظف است در قبال دریافت مالیات به جبران خسارت بپردازد.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با عنوان «مبنا یابی فقهی راهکارهای جبران خسارت ناشی از تورم منفی» با بررسی آرای فقهای معاصر و مبانی فقهی امامیه به نتایج زیر دست یافته است در روند تورم منفی کسانی که کالای خریداری شده آنها با کاهش قیمت مواجه شده است جهت جبران خسارت ناشی از تورم منفی دو راهکار پیشنهاد شده است راهکار اول اینکه دولت مسئول جبران خسارت باشد از این جهت که با برخی اقدامات سلبی موجبات تورم منفی را فراهم ساخته و سبب ورود ضرر شده است مبانی فقهی بل استناد در مسئولیت مدنی دولت قاعده اتلاف قاعده تسبیب و الضمان بالخراج است راهکار دوم استفاده مؤثر از بیمه خسارت است که مشروعیت آن به واسطه عمومات و اطلاقات وفای به عقد و بنای عقلا قابل اثبات است و از آنجا که تورم منفی جزو مسائل مستحدثه بوده و نسبت به آن منعی از سوی شارع صورت نگرفته است؛ بلکه نسبت به التزام به تعهدات تأکیدیاتی نیز وجود دارد بیمه خسارات ناشی از تورم منفی نیز گامی در جهت جبران زیان ناشی از این مسئله شمرده می‌شود

منابع

قرآن کریم

۱. ابن ابی جمهور، محمد علی بن ابراهیم الاحسانی. (۱۴۰۳ق). عوالی اللئالی العزیزیه فی الاحادیث الدینیة. بی جا: بی نا.
۲. ابن ماجه، أبو عبد الله محمد بن یزید القزوينی. (بی تا). سنن ابن ماجه. بی جا: دار إحياء الكتب العربية.
۳. اردبیلی، احمد بن محمد. (۱۴۰۳ق). مجمع الفلندة و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۴. اصفهانی، فاضل هندی. (۱۴۱۶ق). محمد بن حسن، كشف اللثام و الإبهام عن قواعد الأحكام. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۵. اصفهانی، محمد حسین کمپانی. (۱۴۱۸ق). حاشیه کتاب المکاسب. (للأصفهانی، ط - الحدیثة). قم: أنوار الهدی.
۶. اصفهانی، محمد حسین. (۱۳۷۴ق). نهایه الدرایه فی شرح الکفایه. قم: انتشارات سید الشهداء.
۷. آشتیانی، محمد حسن. (۱۴۰۳ق). بحر الفوائد فی شرح الفرارند. قم: کتابخانه آیت الله مرعشی.
۸. بجوردی، سید حسن. (۱۴۱۹ق). القواعد الفقهیه. قم: نشر الهادی.
۹. بهادرانی، ابراهیم. (۱۳۹۰). تورم و چالش های آن. تهران: انتشارات مرکز آموزش و تحقیقات صنعتی.
۱۰. حلبی، ابن زهره، حمزه بن علی حسینی. (۱۴۱۷ق). غنیة النزوع إلى علمی الأصول و الفروع. قم: مؤسسه امام صادق(ع).
۱۱. حلّی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی. (۱۴۱۰ق). إرشاد الأذهان إلى أحكام الإیمان. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۲. حلّی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی. (۱۴۱۴ق). تذکرة الفقهاء. قم: مؤسسه آل البيت.
۱۳. حلّی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی. (۱۴۲۰ق). تحریر الأحكام الشرعیة علی مذهب الإمامیه. (ط - الحدیثة). ۶ جلد. قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.
۱۴. حلّی، محقق، نجم الدین، جعفر بن حسن. (۱۴۰۸ق). شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام. چاپ دوم. قم: مؤسسه اسماعیلیان.
۱۵. خمینی، سید روح الله. (۱۳۹۲). تحریر الوسیله. تهران: انتشارات مؤسسه نشر آثار امام. چاپ دوم.
۱۶. خمینی، سید روح لله موسوی. (۱۴۲۱ق). البیع. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۱۷. خویی، سید ابو القاسم موسوی. (بی تا). مصباح الفقاهة. بی جا: بی نا.
۱۸. رجبی، فرشید؛ ایزدی فرد، علی اکبر؛ جهانی، علی اکبر. (۱۳۹۸). بررسی فقهی و حقوقی بیمه خسارات ناشی از تورم منفی. پژوهش های فقه و حقوق اسلامی، شماره ۵۵، صص ۹۷-۱۱۱.

۱۹. شریعت زاده، میترا؛ عرب خزاییلی، عباس؛ حسینی مقدم، سید عسگر. (۱۳۹۹). مسئولیت مدنی دولت در قبال تورم منفی. مطالعات حقوق بشر اسلامی، شماره ۱۸، صص ۱۳-۴۹.
۲۰. شهید ثانی، زین الدین. (۱۴۱۳ق). مسالک الافهام فی شرح شرایع الاسلام. قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه.
۲۱. طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۱۱ق). المبسوط فی فقه الامامیه. تهران: المکتبه المرتضویه.
۲۲. عاملی، حرّ، محمد بن حسن. (۱۳۰۹). وسائل الشیعه. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۲۳. عاملی، سید جواد بن محمد حسینی. (بی تا). مفتاح الکرامه فی شرح قواعد العلامه. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۲۴. کتابی، احمد. (۱۳۷۱). تورّم علل آثار وراه‌های مقابله با آن. تهران: اقبال.
۲۵. کریمی، آیت. (۱۳۷۷). بیمه اموال و مسئولیت. تهران: دانشکده امور اقتصادی.
۲۶. لنگرودی، محمدجعفر. (۱۳۹۶). حقوق اموال. چاپ هفتم. تهران: گنج دانش.
۲۷. محقق داماد، مصطفی. (۱۴۰۶ق). قواعد فقه. تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
۲۸. محمود صالحی، جانعلی. (۱۳۸۸). مفهوم خسارت در بیمه. تهران: مجله بیمه، شماره ۲۵.
۲۹. مراغی، سید میر عبد الفتاح بن علی حسینی. (۱۴۱۷ق). العناوین الفقهیه. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۳۰. مظفر، محمدرضا. (۱۴۰۳ق). اصول الفقه. بیروت: انتشارات بیروت. چاپ دوم.
۳۱. معین، محمد. (۱۳۷۱). فرهنگ معین. تهران: امیرکبیر.
۳۲. مقداد بن عبدالله سیوری. (فاضل مقداد). (۱۴۲۵ق). کنز‌العرفان فی فقه القرآن. قم: انتشارات مرتضوی.
۳۳. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۴۱۱ق). قواعد فقهیه. قم: انتشارات مدرسه امام امیرالمؤمنین.
۳۴. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۴۲۲ق). مسائل المستحدثه. قم: درس خارج فقه.
۳۵. نجفی، صاحب الجواهر، محمد حسن. (۱۴۰۴ق). جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام. هفتم. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۳۶. نسائی، أبو عبد الرحمن أحمد بن شعيب بن علي الخراساني. (۱۴۰۶ق). السنن الصغرى للنسائي. مطبعة الثانية. حلب: مکتب المطبوعات.
۳۷. نیکخواهی، ناصر. (۱۳۹۴). بررسی فقهی بیمه. تهران: انتشارات سمت.

References

The Holy Quran

1. Abū 'Abd Allāh Muḥammad b. Yazīd al-Qazwīnī (n.d.). Sunan Ibn Mājah. Dār Ihyā' al-Kutub al-'Arabīyah.
2. Ameli, H. (1889). Wasa'il al-Shi'a. Qom: Al al-Beyt Institute.
3. Ameli, S. J. (n.d.). Miftah al-karamah fi sharh qawa'id al-'allamah. Beirut: Dar Ihya' al-Turath al-'Arabi.

4. Amiri, N. (2015). *Fiqh-Based Study of Insurance*. Tehran: SAMT Publication.
5. Ardabīlī, A. b. M. (1403 AH). *Majma' al-Fā'idah wa al-Burhān fī Sharḥ Irshād al-Adhān*. Qom: Daftar-i Intishārāt-i Islāmī (Islamic Publication Office).
6. Āshtiyānī, M. Ḥ. (1403 AH). *Baḥr al-Fawā'id fī Sharḥ al-Farā'id*. Qom: Āyat Allāh al-Marāshī Library.
7. Bahādorānī, I. (1390 [2011]). *Inflation and Its Challenges*. Tehran: Center for Educational and Research Center.
8. Buḵnūrdī, S. Ḥ. (1419 AH). *Al-Qawā'id al-Fiḥīyah*. Qom: Al-Hādī.
9. Ḥellī, Muḥaqqiq, N. al-Dīn, J. b. Ḥ. (1408 AH). *Sharā'i al-Islām fī Masā'il al-Ḥalāl wa al-Ḥarām* (2nd ed.). Qom: Al-Ismā'īlīyān Institute.
10. Ḥellī, 'Allāmah, Ḥ. b. Y. b. M. Asādī. (1410 AH). *Irshād al-Adhān ilā Aḥkām al-Īmān*. Qom: Daftar-i Intishārāt-i Islāmī (Islamic Publication Office).
11. Ḥellī, 'Allāmah, Ḥ. b. Y. b. M. Asādī. (1414 AH). *Tadhkirat al-Fuqahā'*. Qom: Āl al-Beyt Institute.
12. Ḥellī, 'Allāmah, Ḥ. b. Y. b. M. Asādī. (1420 AH). *Taḥrīr al-Aḥkām al-Shar'iyyah 'alā Madhhab al-Imāmīyah* (6 vols.). Qom: Al-Imām al-Ṣādiq Institute.
13. Hosseini Moghaddam, S. A., Arab Khazaili, A., & Shariat-Zadeh, M. (2020). Civil liability of the government against negative inflation. *Islamic Human Rights Studies*, 18, 13-49.
14. Ibn Abī Jumhūr, M. 'A. b. I. al-Aḥsā'ī. (1403 AH). *'Awālī al-La'alī al-'Azīzīyah fī al-Aḥādīth al-Dīnīyah*.
15. Ibn Zuhrah, Ḥ. b. 'A. Ḥusaynī (1417 AH). *Ghanīyat al-Nuzū' ilā 'Imay al-Uṣūl wa al-Furū'*. Qom: Al-Imām al-Ṣādiq Institute.
16. Iṣfahānī, F. H. (1416 AH). *Muḥammad b. al-Ḥasan, Kashf al-Litham wa al-Ibhām 'an Qawā'id al-Aḥkām*. Qom: Daftar-i Intishārāt-i Islāmī (Islamic Publication Office).
17. Iṣfahānī, M. Ḥ. (1374 AH). *Nihāyat al-Dirāyah fī Sharḥ al-Kifāyah*. Qom: Seyyed al-Shuhadā' Publication.
18. Iṣfahānī, M. Ḥ. Kampānī. (1418 AH). *Ḥāshiyat Kitāb al-Makāsib*. (2nd ed.). Qom: Anwār al-Hudá.
19. Karbasi, A. (1992). *Inflation: Causes, effects, and ways to combat it*. Tehran: Iqbal.
20. Karimi, A. (1998). *Property and liability insurance*. Tehran: School of Economic Affairs.
21. Khomeinī, S. R. (1392 [2013]). *Taḥrīr al-Wasīlah* (2nd ed.). Tehran: Center for the Compilation and Publication of Imam Khomeinī's Works.

22. Khomeinī, S. R. M. (1421 AH). *Al-Bay'*. Tehran: Mu'assasat Tanzīm wa Nashr Āthār al-Imām al-Khomeinī (Center for the Compilation and Publication of Imam Khomeinī's Works.).
23. Langroudi, M. J. (2017). *Property Law* (7th ed.). Tehran: Ganj-e Danesh.
24. Mahmoud Salehi, J. (1988). The concept of loss in insurance. *Tehran: Insurance Journal*, 25.
25. Makarem Shirazi, N. (1991). *Fiqh Rules*. Qom: Imam Ali ibn Abi Talib School of Higher Education.
26. Makarem Shirazi, N. (2001). *Contemporary Issues*. Qom: Advanced Fiqh Course.
27. Mofid, M. H. (1984). *Al-mabsut fi fiqh al-Imamiyyah*. Tehran: Al-Maktabah al-Murtaḍawiyah.
28. Mohaghegh Damad, M. (1986). *Qawa'id al-fiqh*. Tehran: Islamic Sciences Publishing Center.
29. Moshir, M. A. (1992). *Mo'in Dictionary*. Tehran: Amir Kabir.
30. Mughniyyah, M. J. (1984). *Minhaj al-salihin*. Beirut: Dar al-'Ilm lil-Malayin.
31. Mulla, Z. (1992). *Masalik al-afham fi sharh shara'i' al-Islam*. Qom: Islamic Information Foundation.
32. Muttaqi, A. (1997). *Al-'Anāwīn al-fiqhiyyah*. Qom: Islamic Publishing Office.
33. Najafi, M. H. (1984). *Jawahir al-kalam fi sharh shara'i' al-Islam* (7th ed.). Beirut: Dar Ihya' al-Turath al-'Arabi.
34. Nasa'i, A. (1986). *Al-Sunan al-Sughra lil-Nasa'i*. Aleppo: Maktab al-Matbu'at al-Islamiyyah.
35. Rajabi, F., Izadi Fard, A. A., & Jahani, A. A. (2019). Fiqh and legal study of insurance for damages caused by negative inflation. *Islamic Fiqh and Law Research*, 55, 97-111.
36. Tabatabaie, A. (n.d.). *Misbah al-fiqahah*.